

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله

۱۹ جون ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۱۰)

۱) **علم عروض:** در باره معنای واژه عروض نظرات گوناگونی ارائه شده است و آنست که شعر را بر آن عرضه کنند تا موزون و ناموزون بودن آن از هم باز شناخته شود.

تعریف: عروض یکی از اقسام علوم ادبی است که موضوع آن بحث در وزن (آهنگ) شعر است و در مورد چگونگی ایجاد وزن، انواع وزن، صحت و سقم آن و برخی از شگرد هائی که مخصوص کلام منظوم است، بحث می کند.

تعریف وزن: وزن، نظم و تناسب خاصیت در اصوات شعر (هجا ها) این نظم و تناسب اصوات به انحای گوناگون نزد ملل مختلف مبین نوعی آهنگ و موسیقی است.

✓ **وزن عددی:** وزن مبتنی است بر تساوی تعداد هجا های هر مصراع (یعنی عامل خاص درین گونه وزن دخیل نیست) وزن اشعار فرانسوی، ایتالی و هسپانیوی ازین گونه است.

✓ **وزن کمی:** وزن مبتنی بر امتداد زمانی، یعنی کمیت (کوتاهی و بلندی) هجا هاست. وزن شعر دری، عربی، سانسکریت و لاتین ازین دست اند.

✓ **وزن تکیه ای:** وزن مبتنی است بر تکیه ای که بر هجا ها واقع می شود و تکیه امتیاز یست که به وسیله تأکید در تلفظ به یکی از هجا های کلمه داده می شود یعنی یکی از هجا های کلمه بر اثر تکیه قوی تر و مؤکدتر تلفظ می شود. وزن اشعار انگلیسی و آلمانی چنین است.

✓ **وزن نواختی:** وزن بر حسب زیری اصوات (هجا ها) مشخص می شود، وزن شعر چینی و ویتنامی چنین است. چنانچه دیده شد در وزن تکیه ای و نواختی عامل مؤثر نحوه تلفظ یعنی کیفیت ادای هجاهاست. ازینرو به این اوزان کیفی می گویند. ضربی نیز گفته می شود. اما وزن کمی و عددی چون مبنی بر تعداد هجاهاست به آن وزن کمی می گویند و اشعاری که به این دو وزن سروده می شوند به نام اشعار کمی یاد می گردند.

املاي عروضي: نوشتن کلمات به خطي است که به توان با آن مقطع اصوات يا هجا ها را به آساني تشخيص داد. املای عروضی نگارش دقیق اصوات اعم از صامت و مصوت است. برای این کار می توان با اندک تغییر و اضافاتی هم از خط لاتینی استفاده کرد و هم از خط دری می توان استفاده کرد.

✓ املای عروضی مبتنی بر حروف ملفوظ است نه مکتوب. یعنی آنچه را می شنویم آن را می نویسیم نه آنچه را که می بینیم و در خط وجود دارد. مثلاً در کلمه در "فتحه دال را می نویسیم" dar و در کلمه خواهر، واو معدوله را نادیده می گیریم، زیرا به تلفظ در نمی آید "خاهر" می نویسیم.

✓ در زبان دری هیچ کلمه ای نیست که با مصوت آغاز گردد. در کلماتی مانند آب، اگر، این، او و... که ظاهراً با مصوت آغاز می گردند، همواره همزه ای در ابتداء وجود دارد و همزه در زبان دری حکم صامت را دارد. آب = Paab، این = Pin، او = Puu

✓ ع در عربی در زبان دری حکم همزه را دارد عود = Puud، رعد = Ropd

✓ کلمات تو، دو، او، به شکل To، Do، Po و کلمات دو (فعل امر از دويدن) و دو (فعل امر از رفتن) جو، نو به صورت مصوت بلند نوشته می شوند، buu، ruu، suu، duu

✓ واو وسط کلمات گاهی به صورت o تلفظ و نوشته می شود مثل sopaal (سوال) و گاهی مثل ow مثل Kown (گون)

✓ در کلمات بسیط فارسی هیچ گاه مصوت بلند (i) قبل از (y) قرار نمی گیرد. گیاه و سیاه (geyaah، seyaah)

✓ مصوت های بلند را بر طبق قرار داد دوبار می نویسیم aa=، او = uu، ای = ii. هر هجائی که با سه حرف عروضی نوشته شود هجای بلند است. سو=suu، را = raa مصوت بلند کمی بیشتر از دو برابر مصوت کوتاه است.

✓ مصوت های بلند به صورت کشیده تلفظ می شوند اما اگر قبل از "ن" واقع نشوند و بعد از "ن" سکوت یا مکث باشد (یعنی بعد از آن هیچ حرفی نباشد یا بعد از فاصله صامت باشد) کوتاه تلفظ می شوند و لاجرم یک بار نوشته می شوند. اما اگر بعد از "ن" مصوت باشد تغییری در کمیت مصوت قبل از "ن" رخ نمی دهد یعنی همچنان بلند تلفظ شده دو بار نوشته می شود.

جانی = jaanii اما جز اول جان بخش Jan = jaanbaxs – جا = jaa

دینی = diinii اما جز اول دیندار din = dindaar – دی = dii

خونی = xuunii اما جز اول خونبار xun – xunbaar خو = xuu

هم چنین مصوت خواند یا ماند و نظایر آن ها را بلند تلفظ می کنیم خواند xaand – ماند – maand زیرا بعد از "ن" نه سکوت است نه مکث یعنی بلافاصله صامت آمده است. "ن" گاهی از کمیت مصوت بلند قبل از خود می کاهد.

✓ حرف مشدد دو حرف حساب می شود. فرخ، خرم، فراخ، خرام و... for rox – xor rom

✓ واو عطف: درین و آن، دل و جان که ملفوظ نشود ساقط می شود و در املای عروضی نمی آید.

اینک با توضیحات فوق مصراعی را با خط عروضی آوا نویسی می کنیم تا کمیت هجا ها به دقت تعیین گردد. عموماً مصوت های بلند را به (-) و مصوت های کوتاه را به (v) نشان می دهند.

توانا بود هر که دانا بود (vod bo naa daa ke har vad bo naa vaa ta) و یا با خط فارسی آوا نویسی می کنیم در این v - - v - - v - - v - صورت به روی مصوت بلند علامه - گذاشته

شود "تَ وَا نَآ بُ وَد هَر که دَا نَآ بُ وَد" تمام شهنامه فردوسی اینطور تقطیع می شود - - - - - V - - - - - V -

V

اولین کسی که در ادبیات عرب به تدوین و تنظیم عروض پرداخت خلیل ابن احمد بصری نحوی است که این علم را در سال ۱۷۰ هجری قمری وضع کرد. او معتقد به پانزده بحر اصلی بود که بعد ها چهار بحر دیگر هم بدان علاوه شد که امروز اساساً عروض ۱۹ بحر اصلی و ۳۰۰ بحر فرعی دارد.

در عروض سنتی برای هر یک از اوزان رسمی نهاده اند، مثلاً اوزان مبتنی بر مستعفلن را "رجز" می گویند. مبتنی بر مفاعیلن را "هزج" مبتنی بر فاعلاتن را "رمن" و مبتنی بر مفعولن را "تقارب" می گویند.

در شعر سنتی کوتاه ترین آن دارای دو رکن و طویلترین آن دارای ۴ رکن می باشد. اگر تمام ارکان یکی باشند، وزن حاصله را متحد الارکان و اگر ارکان مصراع یکی در میان تکرار شود وزن آن را متناوب الارکان می گویند. ۱۹ بحر اساسی درین دو بیت ذکر شده اند:

رجز، خفیف و رمل فرح دگر محبتش	بسیط و کامل و وافر هزج طویل و مدید
مشاکل و مقارب و سریع و مقتضب است	مضارع و تدارک قریب و باز جدید

از بحور فوق طویل، مدید، بسیط، وافر و کامل مخصوص شعراء عبارت است، سه بحر قریب، جدید و مشاکل مخصوص دری زبانان می باشند. دیگر بحور بین عربی و دری مشترک اند.

اول: بحر های که از تکرار افاعیل پیدا می شوند دوم: بحر هایی که از ترکیب افاعیل پیدا می شوند

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱- بحر هزج از ۸ مفاعیلن | ۱- بحر مضارع از ۴ مفاعیلن فاع لاتن |
| ۲- بحر رجز از ۸ مستعفلن | ۲- بحر مجتب از ۴ مستعفلن فاعلاتن |
| ۳- بحر رمل از ۸ فاعلاتن | ۳- بحر فسر ح از ۴ مستعفلن مفعولات |
| ۴- بحر تقارب از ۸ فعولن | ۴- بحر مقتضب از ۴ مفعولات مستعفلن |
| ۵- بحر کامل از ۸ متفاعلن | ۵- بحر طویل از ۴ فعولن مفاعیلن |
| ۶- بحر وافر از ۸ مفاعلتن | ۶- بحر بسیط از ۴ مستعفلن فاعلتن |
| ۷- بحر متدارک از ۸ فاعلن | ۷- بحر مدید از ۴ فاعلاتن فاعلن |
| ۸- بحر سریع از ۲ مستعفلن مستعفلن مفعولات | |
| ۹- بحر خفیف از ۲ فاعلاتن مستعفلن فاعلاتن | |
| ۱۰- بحر قریب از ۲ مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن | |
| ۱۱- بحر جدید از ۲ فاعلاتن فاعلاتن مستعفلن | |
| ۱۲- بحر مشاکل از ۲ فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن | |

جهت دریافت این افاعیل از روی تقطیع به جدول زیر مراجعه نمایند:

تقطیع: در لغت قطعه قطعه کردن است و در اصطلاح عروض قطعه قطعه کردن شعر است به هجاهای کوتاه و بلند.

پری روی، پری بگذار، ماهی به زیر مقتعه صاحب کلاهی

"خسرو شیرین نظامی"

hii maa re zaa bog rii pa yii yuu rii pa

- - - u - - - u - - - u

م فا عی لن م فا عی لن ف عو لن

وزن تمام ابیات خسرو شیرین نظامی (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) می باشد، اما این تقطیع را از روی جدول زیر خوبتر می توانیم دریابیم:

یک هجانی	دو هجانی	سه هجانی	چهار هجانی	پنج هجانی
فع	فعل	فعلن	فاعلاتن	متفعلاتن
-	- u	- u u	- - u -	- - u - -
	فع لن	فاعلن	فاعلات	متفاعلن
- -	- -	- u -	u - u -	- u - u u
		فعولن	فعلاتن	
		- - u		
		مفعولن	فعلات	
		- - -		
		مفعول	مفاعیلن	
		u - u		
			مفاعیل	
			مفاعلن	
			مستفعلن	
			مستفعل	
			مستفعل	
			u u - -	
			مفتعلن	
			- u u -	

ادامه دارد...